

# دانلود مقاله لزوم اندازه گیری هوش هیجانی و دلالت های ارتقاء تحصیلی خود به خود

جهت مشاهده [دانلود مقاله لزوم اندازه گیری هوش هیجانی و دلالت های ارتقاء تحصیلی خود به خود به پایین](#)

همین صفحه مراجعه نمایید

تعداد صفحات : 35 صفحه

برای دریافت اینجا کلیک کنید

فرمت WORD قابل ویرایش



## ضرورت های دیگری برای استفاده از فنون ارزشیابی توصیفی در برنامه ریزی درسی

در این یادداشت بلند! با استفاده از دو مقاله به بررسی دلالت های استفاده از فنون ارزشیابی توصیفی در نظام برنامه ریزی درسی با توجه به نظام موجود ارزشیابی تحصیلی و مقررات موجود ارتقاء تحصیلی در آموزش و پرورش کشور می پردازیم.

متأسفانه در ادبیات آموزشی موجود در کشور ما، امتحان که نوعی اندازه گیری (Assessment) می باشد؛ با ارزشیابی (Evaluation) که نوعی قضاوت است؛ یکسان پنداشته شده است. در حالیکه امتحاناتی که در نظام فعلی ارتقاء تحصیلی در ایران با استفاده از مقیاس کمی (۲۰-۰) از دانش آموزان گرفته می شود تنها بخشی از قابلیت های هوش شناختی (IQ) دانش آموزان را می سنجد و در مورد اندازه گیری هوش هیجانی (Emotional Intelligence) اطلاعاتی را فراهم نمی آورد. لذا در این یادداشت به تدقیق پیرامون هوش هیجانی و ارتقاء تحصیلی می پردازیم. سید احمد جلالی در مقاله ای تحت عنوان "هوش هیجانی" که در فصلنامه تعلیم و تربیت شماره مسلسل ۷۰ و ۶۹ منتشر شده، به کالبد شکافی این واژه پرداخته است.

در قسمت اول این یادداشت به نقل مستقیم مطالب ذیل از این مقاله پرداخته ایم:

۱، تعریف هوش هیجانی

۲، بررسی پیشینه نظری هوش هیجانی

۳، بررسی مطالعات انجام شده درباره هوش غیر شناختی

۴، مولفه های اصلی هوش هیجانی و عوامل تشکیل دهنده آنها

در قسمت دوم یادداشت به بررسی دلالت های ارتقاء خود به خود تحصیلی در نظام ارزشیابی تحصیلی ایران پرداخته ایم. محمد حسنی با مساعدت و همفکری هفت تن از همکارانش در دفتر ارزشیابی تحصیلی و تربیتی وزارت آموزش و پرورش به سفارش شورای عالی آموزش و پرورش مقاله ای تحت عنوان "ارتقاء خودکار قبولی تضمینی یا حذف مردودی" تهیه کرده است. در این مقاله معنی، کاربرد، دلایل، چالش ها و الزامات ارتقاء خود به خود در نظام ارزشیابی تحصیلی کشور با استفاده از شواهد پژوهشی و مطالعاتی و آئین نامه

ها و مقررات تحصیلي تشریح شده است. (حسني، بي تا )  
در قسمت دوم این یادداشت به نقل مطالب ذیل از این مقاله پرداخته ایم:

- ۱، معني ارتقاء خودبه خود
  - ۲، دلايل و شواهد مويد ارتقاء خود به خود
  - ۲-۱- تعميم و گسترش آموزش همگاني
  - ۲-۲- توجه به تمامي عوامل موثر در افت تحصيلى
  - ۲-۳- عوارض روحي و رواني مردودي
  - ۲-۴- آموزش و پرورش جديد و دلالت هاي آن
  - ۲-۵- امتحانات و عوارض آن
  - ۲-۶- اعتبار و توان امتحان در سنجش اهداف
  - ۲-۷- خسارت هاي اقتصادي نظام موجود ارزشيابي تحصيلى
  - ۳، بررسی و نقد نظريه‌هاي طرفدارن نظام فعلي ارتقاء تحصيلى در ايران
  - ۴، چالش ها و الزامات ارتقاء خود به خود
- در انتهاي یادداشت نیز فهرست منابع دو یادداشت و مقاله اخير الذکر درج گردیده است.

### قسمت اول: اهميت اندازه گيري هوش هیجاني

در اندازه گيري هوش هیجاني بیشتر به توان بالقوه انجام کار توجه مي شود تا حاصل کار، يعني بیشتر به فرایندها توجه داریم تا پیامدها. جلالی تاکید نموده است که نتایج پژوهش هاي انجام شده در خصوص هوش هیجاني در خارج از کشور نشان داده است که "مدارسی موفق هستند که به ایجاد رابطه مناسب بین دانش آموزان، دانش آموزان و معلمان و دانش آموزان و سایر اعضای مدرسه کمک مي کنند". (جلالی، ۱۳۸۱).

این نتایج با یافته هاي پژوهش دیگری در خصوص فرهنگ مدرسه (School culture) در داخل کشور مشابهت دارد. (مقني زاده، ۱۳۸۰) در یافته هاي این پژوهش که در مقاله اي تحت عنوان: "ارتقای فرهنگ مدرسه، بنياني براي اصلاح مدرسه" در فصلنامه تعليم و تربيت شماره مسلسل ۷۱ منتشر شده بر این نکته تاکید شده است که مدرسه صرفاً يك سازمان آموزشي نیست، بلکه جامعه اي کوچک است که از طريق فعاليت و مشارکت دانش آموزان خود به عنوان عناصر اصلي و بزرگسالان مدرسه، سمت و سو و فرهنگ خاص خویش را پيدا مي کند و داراي هويت است. (مقني زاده، ۱۳۸۱).

با توجه به اهميت هوش هیجاني و تازه گي مطالب طرح شده توسط جلالی، بخشي از مقاله وي که در آن تعريف و بررسی پيشينه نظري هوش هیجاني و پيشينه مطالعات تجربی هوش غير شناختي و تعريف مختصري از مولفه هاي اصلي هوش هیجاني و اجتماعي و عوامل تشکیل دهنده آن ارائه شده؛ عیناً به تفکیک عناوین مربوطه درج مي نمائیم.

### تعريف و پيشينه هوش هیجاني

تعريف هوش هیجاني نیز همانند هوش شناختي شناور است. این اصطلاح از زمان انتشار کتاب معروف گولمن (1995) (Gole man) به گونه اي گسترده به صورت بخشي از زبان روزمره درآمد و بحث هاي بسياري را برانگیخت. گولمن طی مصاحبه اي با جان انیل (۱۹۹۶) هوش هیجاني را چنین توصیف مي کند:

"هوش هیجاني نوع دیگری از هوش است. این هوش مشتمل بر شناخت احساسات خویش و استفاده از آن براي اتخاذ تصميم هاي مناسب در زندگي است. توانايي اداره مطلوب خلق و خوي و وضع رواني و کنترل تکانش هاست. عاملي است که به هنگام شکست ناشي از دست نيافتن به هدف، در شخص ایجاد انگیزه و امید

مي کند. هم حسي يعني آگاهی از احساسات افراد پيرامون شماست. مهارت اجتماعي يعني خوب تا کردن

با مردم و کنترل هیجان های خویش در رابطه با دیگران و توانایی تشویق و هدایت آنان است." گولمن در همین مصاحبه ضمن مهم شمردن هوش شناختی و هیجانی می گوید: هوش بهر (IQ) در بهترین حالت خود تنها عامل ۲۰ درصد از موفقیت های زندگی است. ۸۰ درصد موفقیت ها به عوامل دیگر وابسته است و سرنوشت افراد در بسیاری از موارد در گرو مهارت هایی است که هوش هیجانی را تشکیل می دهد. هوش غیر شناختی، ابعاد شخصی، هیجانی، اجتماعی و حیاتی هوش را که اغلب بیش تر از جنبه های شناختی آن در عملکردهای روزانه موثرند؛ مخاطب قرار می دهد. هوش هیجانی با توانایی درک خود و دیگران (خودشناسی و دیگر شناسی)، ارتباط با مردم و سازگاری فرد با محیط پیرامون خویش پیوند دارد. به عبارت دیگر، "هوش غیر شناختی پیش بینی موفقیت های فرد را مسیر می کند و سنجش و اندازه گیری آن به منزله اندازه گیری و سنجش توانایی های شخص برای سازگاری با شرایط زندگی و ادامه حیات در جهان است". بار-آن (Bar-on) 1997) پیتر سالوی (salovey(1990) ضمن اختراع اصطلاح سواد هیجانی (Emotional Litesy) به پنج حیطه در این مورد اشاره می کند.

- ۱، شناخت حالات هیجانی خویش: یعنی، خود آگاهی.
- ۲، اداره کردن هیجان ها: یعنی، مدیریت هیجان ها به روش مناسب.
- ۳، خود انگیزی: یعنی کنترل تکانش ها، تاخیر در ارضای خواسته ها و توان قرار گرفتن در يك وضعیت روانی مطلوب.
- ۴، تشخیص دادن وضع هیجانی دیگران، همدلی.
- ۵، برقراری رابطه با دیگران.

### پیشینه مطالعه هوش غیر شناختی

پیشینه هوش هیجانی را می توان در ایده های وکسلر به هنگام تبیین جنبه های غیر شناختی هوش عمومی جست و جو کرد. وکسلر در صفحه ۱۰۳ گزارش ۱۹۴۳ خود درباره هوش می نویسد: "کوشیده ام نشان دهم که علاوه بر عوامل هوشی، عوامل غیر هوشی ویژه ای نیز وجود دارد که می تواند رفتار هوشمندانه را مشخص کند. نمی توانیم هوش عمومی را مورد سنجش قرار دهیم مگر این که آزمون ها و معیارهایی نیز برای سنجش عوامل غیر هوشی در برداشته باشد."

وکسلر در صدد آن بود که جنبه های غیر شناختی و شناختی هوش عمومی را با هم بسنجد. تلاش او در این زمینه را می توان در استفاده وی از کاربرد خرده آزمون های تنظیم تصاویر و درک و فهم- که دو بخش عمده آزمون وی را تشکیل می دهند- دریافت. در خرده آزمون درک و فهم "سازگاری اجتماعی" و در تنظیم تصاویر شناخت و تمیز "موقعیت های اجتماعی" مورد بررسی قرار می گیرد. پژوهش های انجام شده توسط سیپس (Sipps) و همکارانش (۱۹۸۷) نیز نشان می دهد که بین درک و فهم تصاویر و شاخص های هوش اجتماعی پرسش نامه شخصیت کالیفرنیا (Cpi)، هم بستگی معناداری وجود دارد. (شریفی ۱۳۷۵)

علاوه بر این موارد، وکسلر در کارهای خود به تلاش های "دال" مبنی بر سنجش جهات غیر شناختی هوش نیز اشاره کرده است. نتیجه کوشش های دال- همان گونه که پیش از این نیز عنوان گردید- در مقیاس رشد اجتماعی و این لند (winlend) منعکس است.

(لیپر (Leeper) 1948) نیز بر این باور بود که "تفکر هیجانی" بخشی از "تفکر منطقی" است و به این نوع تفکر- یا به معنایی کلی تر "هوش"- کمک می کند. روان شناسان دیگری نظیر (میبر (Meyer) 1993) و سالووی نیز پژوهش های خود را بر جنبه های هیجانی هوش متمرکز کرده اند.

پژوهشگران از طریق سنجش مفاهیمی مانند مهارت های اجتماعی، توانمندی های بین فردی، رشد روان شناختی و آگاهی های هیجانی که همگی مفاهیمی مرتبط با هوش هیجانی هستند، به بررسی ابعاد این

نوع هوش پرداخته اند. دانشوران علوم اجتماعی نیز به کشف روابط بین هوش هیجانی و سبک های مختلف مدیریت و رهبری و عملکردهای فردی و تغییرات درون فردی و اجتماعی و انجام ارزش یابی از عملکردهای فردی و گروه، همت گماشته اند.

شایان ذکر است که ایده " هوش هیجانی" پس از ۵۰ سال بار دیگر توسط گاردنر (۱۹۸۳)، استاد روان شناسی دانشگاه هاروارد دنبال شد. گاردنر (Gardner) هوش را مشتمل بر ابعاد گوناگون (زبانی، موسیقایی، منطقی، ریاضی، جسمی، میان فردی و درون فردی) می داند. او وجوه شناختی مختلفی را با عناصری از هوش غیر شناختی یا به گفته خودش "شخصی" ترکیب کرده است. بعد غیر شناختی (شخصی) مورد نظر گاردنر مشتمل بر دو مولفه کلی است که وی آن ها را با عناوین استعدادهای درون روانی و مهارت های (میان فردی) معرفی می کند. به نظر گاردنر، هوش هیجانی متشکل از دو مولفه زیر است:

هوش درون فردی: که به توانایی درک و فهم دیگران اشاره دارد و می خواهد بداند چه چیزهایی انسان ها را بر می انگیزند، چگونه فعالیت می کنند و چگونه می توان با آن ها همکاری داشت. به نظر گاردنر فروشندگان، سیاست مداران، معلمان، متخصصان بالینی و رهبران مذهبی موفق احتمالاً از هوش میان فردی بالایی برخوردارند.

روان شناسان در قلمرو فعالیت های پژوهشی خود علاوه بر این دو نوع هوش، به انواع دیگری از هوش نیز پی برده و به طور کلی آنها را به سه گروه به شرح زیر تقسیم کرده اند (ری زل ۱۹۹۲):

۱، هوش انتزاعی: منظور توانایی درک و فهم حل مسائل از طریق نمادهای کلامی و ریاضی است.  
۲، هوش عینی: منظور توانایی درک و فهم و حل مسائل از طریق دستکاری و به کارگیری اشیا است.  
۳، هوش اجتماعی: منظور توانایی درک و فهم دیگران و ایجاد ارتباط با آن ها است.

(مایر و سالوی ۱۹۹۳) " هوش هیجانی" را نوعی هوش اجتماعی و مشتمل بر توانایی کنترل هیجان های خود و دیگران و تمایز بین آنها و استفاده از اطلاعات برای راهبرد تفکر و عمل دانسته و آن را متشکل از مولفه های "درون فکری" و "میان فردی" گاردنر می دانند و در پنج حیطه به شرح زیر خلاصه می کنند.

۱، خود آگاهی (Self-Awareness) به معنای آگاهی از خویشتن خویش توان خود نگری و تشخیص دادن احساس های خود به همان گونه ای است که وجود دارد.

۲، اداره هیجان ها (Manage Oneself) به معنای اداره یا کنترل هیجان ها، کنترل احساسات به روش مطلوب و تشخیص منشأ این احساسات و یافتن راه های اداره و کنترل ترس ها و هیجان ها و عصبانیت ها و امثال آن است.

۳، خود انگیزی (Motivating Oneself): به معنای جهت دادن و هدایت عواطف و هیجان ها به سمت و سوی هدف، خویشتن داری هیجانی و به تاخیر انداختن خواسته ها و بازداري تلاش هاست.

۴، هم حسی (Empathy): به معنای حساسیت نسبت به علایق و احساسات دیگران و تحمل دیدگاه های آنان و بها دادن به تفاوت های موجود بین مردم در رابطه با احساسات خود نسبت به اشیا و امور است.

۵، تنظیم روابط (Handling Relationship) به معنای اداره هیجان های دیگران و برخورداری از کفایت های اجتماعی و مهارت های اجتماعی است.

مولفه های اصلی هوش هیجانی و اجتماعی و عوامل تشکیل دهنده آن ها

الف) مولفه های درون فردی Interpersonal Components

1- خودآگاهی عاطفی (هیجانی) Emotional Self Awareness

2- جراتمندی (AS) Assertiveness

3- حرمت نفس (SR) SELF-REGARD

4- خودشکوفایی (SA) SELF-ACTUALIZATION)

5- استقلال عمل (IN) (INDEPENDENCE)

ب) مولفه های سازگاری ADAPTIBILITY-COMPONENTS

1- آزمون واقعیت (RT) REALITY TESTING)

2- انعطاف پذیری (FL) FIEXIBILITY)

3- حل مساله (PS) PROBLEM SOLVING)

پ) مولفه های خلق و خوی عمومی (کلی) GENERAL MOOD-COMPONENTS

1- خوش بینی (OP) OPTIMISM)

2- نشاط (HA) HAPPINESS)

ت) مولفه های میان فردی INTERPERSONAL COMPONENTS

1- هم حسی (EM) EMPATHY)

2- مسئولیت اجتماعی (RE) SOCIAL RESPONSIBILITY)

3- روابط بین فردی (IR) INTERPERSONAL RELATIONSHIP)

ث) مولفه های کنترل تنش ها STRESS MANAGEMENT-COMPONENTS

1- تحمل تنش ها (ST) STRESS –TOLERANCE)

2- کنترل تکانه ها (IC) IMPULSE-CONTROL)

در زیر، چکیده مفهوم هر یک از این ۵ مولفه و ۱۵ عامل تشکیل دهنده آن ها ارائه می شود. توصیف گسترده این مولفه ها را در دستور عمل اجرای پرسش نامه سنجش بهر هیجانی بار-آن (۱۹۹۰) می توان یافت.

### مولفه ها

- ۱- مولفه درون فردی: توانایی های شخص را در آگاهی از هیجان ها و کنترل آنها مشخص می کند.
- ۲- مولفه های میان فردی: توانایی های شخص را برای سازگاری با دیگران و مهارت های اجتماعی بررسی می کند.
- ۳- مولفه سازگاری: انعطاف پذیری و توان حل مساله و واقع گرایی شخص را مورد بررسی قرار می دهد.
- ۴- مولفه اداره یا کنترل تنش ها: توانایی تحمل تنش و کنترل تکانه ها را بررسی می کند.
- ۵- مولفه خلق و خوی عمومی: نشاط و خوش بینی فرد را مورد بررسی قرار می دهد.

### عوامل

- ۱- خودآگاهی عاطفی (هیجانی) (ES): میزان آگاهی فرد از احساسات خویش و درک و فهم این احساسات را بررسی می کند.
- ۲- جراتمندی (AS): ابراز احساسات، باورها، افکار و دفاع منطقی و مطلوب از حق و حقوق خویش را مورد بررسی قرار می دهد.
- ۳- حرمت نفس (SR): توان خود آگاهی و درک و پذیرش خویش و احترام به خود را بررسی می کند.
- ۴- خود شکوفایی (SA): توانایی تشخیص استعدادها ذاتی و استعداد انجام دادن کارهایی را که شخص می تواند و می خواهد و از انجام دادن آنها لذت می برد ، بررسی می کند.
- ۵- استقلال (IN): توانایی خود رهبری، خویشتن داری فکری و عملی و رهایی از وابستگی های هیجانی را بررسی می کند.
- ۶- هم حسی (EM): توان آگاهی از احساسات دیگران و درک و تحسین آن احساسات را بررسی می کند.
- ۷- مسئولیت اجتماعی (RE): توانایی فرد را در معرفی خود به عنوان عضوی مفید و سازنده و دارای حس همکاری در گروه اجتماعی خویش را مورد بررسی قرار می دهد.

- ۸- روابط میان فردی (IR): توانایی ایجاد و حفظ روابط رضایت بخش متقابل که نزدیکی عاطفی، صمیمیت و داد و ستد مهرآمیز از ویژگی‌های آن است، بررسی می‌کند.
- ۹- آزمون واقعیت (RT): توانایی ارزیابی رابطه بین تجربه عاطفی و عینیت‌های موجود را بررسی می‌کند.
- ۱۰- انعطاف‌پذیری (FI): توانایی کنار آمدن با هیجان‌ها، افکار و رفتارهای فرد را در شرایط و موقعیت‌های متغیرهای مختلف بررسی می‌کند.
- ۱۱- حل مساله (PS): توانایی تشخیص و تعریف مشکلات و خلق و کاربست راه‌های موثر را مورد مطالعه قرار می‌دهد.
- ۱۲- تحمل تنش‌ها (ST): توان تحمل فرد را در برابر رویدادهای ناخوشایند و شرایط تنش‌زا و هیجان‌های شدید بررسی می‌کند.
- ۱۳- کنترل‌تکانه‌ها (IC): توانایی مقاومت فرد را در برابر تنش‌ها یا وسوسه و کنترل‌هیجان‌های خویش بررسی می‌کند.
- ۱۴- خوش‌بینی (OP): توانایی توجه به جنبه‌های روشن‌تر زندگی و حفظ نگرش مثبت را حتی هنگام وجود احساسات منفی و ناخوشایند مورد بررسی قرار می‌دهد.
- ۱۵- نشاط (HA): توانایی احساس رضایت از زندگی، احساس رضایت از خود و دیگران، سرزندگی و ابراز احساسات مثبت را بررسی می‌کند.

متأسفانه در نظام فعلی ارزشیابی تحصیلی توجه چندانی به اندازه‌گیری هوش هیجانی و در نتیجه تقویت آن در دانش‌آموزان نمی‌شود. امید می‌رود رویکرد به ارزشیابی کیفی و مقیاس‌های کیفی و استفاده از فنون ارزشیابی توصیفی در تدوین برنامه درسی و ارزشیابی تحصیلی در آموزش و پرورش کشور به تدریج به اهمیت جنبه‌های غیرشناختی هوش در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پی برده شود. برای این کار همانگونه که جلالی توصیه کرده، تهیه و تدوین ابزارهای لازم جهت سنجش هوش هیجانی به منظور برنامه‌ریزی و هدایت دانش‌آموزان برای کسب موفقیت بیشتر لازم است. لذا پیشنهاد می‌شود این امر در دستور کار وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد.

### قسمت دوم: دلالت‌های ارتقاء تحصیلی خود به خود

محمد حسینی با مساعدت و همفکری هفت تن از همکارانش در دفتر ارزشیابی تحصیلی و تربیتی وزارت آموزش و پرورش در مقاله‌ای تحت عنوان "ارتقاء خودکار" قبولی تصمیمی" یا حذف مردودی معنی، کاربرد، دلایل، چالش‌ها و الزامات" به بررسی شواهد تجربی و مطالعاتی پیرامون ارتقاء تحصیلی پرداخته است. با توجه به اهمیت و ارتباط فنون ارزشیابی توصیفی و ارتقاء خود به خود تحصیلی به نقل بخشی از مطالب این مقاله می‌پردازیم.

### معنی ارتقاء خود به خود

ارتقاء خود به خود (Automatic promotion) به موضوع سیاست‌های ارتقاء (promotion policy) مربوط می‌گردد. از آنجا که برنامه درسی ماهیتاً یک سیر صعودی را داراست و صعود طی مراحل به شکلی جزء ذات برنامه درسی است. لذا برای صعود و طی مراحل، مقدمات و پیش‌نیازهایی لازم است. این پیش‌نیازها را می‌توان شروطی دانست که احراز آن موجب صعود خواهد شد. این شروط همان سیاست‌های ارتقاء است. در دنیای امروز در نظام‌های آموزش و پرورش کشورهای جهان حداقل چهار نوع سیاست ارتقاء وجود دارد که عبارتند از:

۱، ارتقاء به شرط امتحان پایانی

۲، ارتقاء به شرط موافقت معلم

۳، ارتقاء به شرط موافقت شوراي معلمان مدرسه

۴، ارتقاء به شرط سن "ارتقاء خود به خود" دبیرخانه شوراي عالي آموزش و پرورش- (۱۳۷۶).

منظور از ارتقاء به شرط امتحان این است که دانش آموز بعد از طی دوران تحصیل (در سال و ترم) در امتحانات پایانی شرکت نموده و در صورت کسب حداقل امتیاز قابل قبول - با توجه به مقیاس ها و تبصره ها و ماده های مربوط - به پایه بالاتر ارتقاء پیدا کند یا مدرک و مجوز عبور از يك دوره را دریافت نماید همان چیزی که در حال حاضر در کلیه سطوح و پایه های آموزش و پرورش کشور ما در جریان است. در کشورهایمانند چین، لهستان، چک، پرو، کویت، اندونزی و فیلیپین سیاست ارتقاء به اینگونه است. کسانی که قادر به احراز شرایط نباشد مجبور به تکرار پایه می شوند.

ارتقاء به شرط موافقت معلم با هدف کاستن اقتدار و عوارض امتحان پایانی، به این گونه است که معلم در پایان دوره (سال و ترم) در خصوص صلاحیت شاگرد برای ورود به پایه های بالاتر نظر می دهد. این بدان سبب است که معلم خصوصاً در دوره ابتدایی که برای تمامی دروس يك معلم واحد وجود دارد. بهترین فردی است که می تواند واقع بینانه در خصوص عملکرد دانش آموز نظر بدهد. این روش را برای حذف مشکلات روش پیشین، یعنی امتحان اعمال می نمایند. با این کار مسایلی نظیر اضطراب ناشی از امتحان، حافظه مداری و . . . تا حدودی برچیده می شود. البته ممکن است در کنار این نیز شروطی برای ارتقاء در نظر گرفته شود که از این نظر مشابه روش قبلی است. کشورهایمانند چین، فرانسه، برزیل، آلمان) این کشور در سالهای اول، دوم و سوم ارتقاء خودبه خود دارد) بلژیک، عمان. بی شک در این روش امکان تکرار پایه وجود دارد.

در شیوه ارتقاء به شرط موافقت شوراي معلمان، پرونده تحصیلی- که عمدتاً مشروح و مبسوط می باشد و تنها به ذکر چند نمره اکتفا نمی شود- در اختیار شورا قرار می گیرد و شورا اجازه ارتقاء به دانش آموز می دهد. در این روش ایرادی را که ممکن است به روش قبل وارد گردد وجود ندارد. به عنوان مثال ممکن است تصمیمات معلم ناشی از سوگیری باشد لذا دخالت گروهی از معلمان در تصمیم گیری این شائبه را از بین می برد در این حالت نیز تکرار پایه وجود دارد البته مشروط به موافقت شورا. این روش در کشورهایمانند فنلاند و ایتالیا اجرا می شود.

در شکل چهارم یعنی ارتقاء به شرط سن یا همان قبولی تضمینی، دانش آموزان بر اساس سن در پایه های متناسب با سن ادامه تحصیل می دهند یعنی کودکی که ۸ ساله است لزوماً بایستی در پایه دوم تحصیل نماید. در این شیوه شرایط خاص، خصوصاً امتحان نهایی و احراز حد نصاب نمرات یا امتیازات وجود ندارد. البته شروطی مانند حضور دائم در کلاس و انجام فعالیت های مورد نیاز از ضروریات است. این گونه نیست که در این شیوه آموزشگاه به يك موسسه کاملاً باز و ساده بدل شود که هیچ نظم و کوششی برای یاد گیری و افزایش معرفت صورت نگیرد. در این شیوه تکرار پایه وجود ندارد و تلاش می گردد به روش های مختلف و بهبود روش های یادگیری- یاددهی برنامه هایی از جمله دوره های جبرانی و ترمیمی کودک به سطح استاندارد مورد نظر رسانده شود و در صورت عدم احراز با صلاح دید والدین معلم و مدرسه فرصت تکرار پایه داده می شود آنهم در موارد خاص.

تاریخ دقیقی برای آغاز این شیوه در جهان یافت نگردید اما به نظر می رسد که این شیوه از نیمه دوم قرن بیستم آغاز شده و تاکنون کشورهایمانند پرو، بلژیک، لهستان، آلمان، ایرلند، اسپانیا، نروژ، سوئد، سوئیس، دانمارک، اتریش، هلند، بلژیک، در اروپای غربی؛

بر اساس اطلاعات بدست آمده از منابع مختلف، کشورهایمانند پرو، بلژیک، لهستان، آلمان، ایرلند، اسپانیا، نروژ، سوئد، سوئیس، دانمارک، اتریش، هلند، بلژیک، در اروپای غربی؛

کشورهای اروپای شرقی مانند آلبانی، استونی و یونان و بلغارستان؛

کشورهای آسیایی مانند بنگلادش، مالزی، کره، ژاپن، اردن، آذربایجان و پاکستان

کشورهای آفریقایی مانند: مصر، الجزایر و بوتسوانا؛

کشورهای آمریکایی مانند: بولیوی، جامائیکا، کانادا و برخی از ایالت های آمریکا، براساس اسناد یونسکو (ایژمن، ۷۸) بسیاری از کشورهای آمریکایی لاتین سیاست ارتقاء خود به خود را در کشور خود اجرا کرده اند. چنانچه از فهرست فوق استنباط می شود ارتقاء خود به خود سیاستی نیست که محدود به قاره خاصی یا کشورهای با سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی معینی باشد.

دلایل و شواهد موید ارتقاء خود به خود

این دلایل در هفت زمینه به شرح زیر می باشد:

۱، تعمیم و گسترش آموزش همگانی و اجباری

یکی از اصول اساسی که نظام های آموزش و پرورش جهان بر آن اتکا دارند و از منشور حقوق بشر استنتاج گردیده است، اصل دسترسی همگانی به آموزش عمومی است (معیری، ۱۳۷۷)، به عبارت دیگر آموزش عمومی حق هر فرد انسانی است. و این هم در قانون اساسی کشور ما به صراحت آمده و هم در قوانین و مقررات آموزش و پرورش سالهاست که تصویب شده است. در قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی و اجباری و مجانی مصوب ۶ مرداد ماه ۱۳۲۲ ماده اول آمده است: "دولت مکلف است از سال ۱۳۲۲ تا مدت ده سال تعلیمات آموزش و پرورش ابتدایی را در تمام کشور به تدریج عمومی و اجباری سازد".

این قانون در تاریخ ۲۱/۲/۵۰ به دلیل تغییر ساختار از ۶ سال دوره اجباری و عمومی به ۹ سال دوره عمومی و اجباری افزایش پیدا کرد. این موضوع یعنی اجباری، همگانی، رایگان کردن آموزش و پرورش از آنجا ناشی می گردد که این دوره نقش مهمی در تربیت آحاد يك ملت دارد. بدون گذراندن این دوره کودکان نمی توانند در آتیه شهروندانی مفید و خوب باشند چرا که از حداقل دانش و معرفت پایه محرومند. در تاثیر این دوره در کاهش آسیب های اجتماعی و خسارت های مادی و معنوی و افزایش رفاه اجتماعی و بهروری جای تردیدی نیست. لذا اهتمام جهانی بر تعلیم و پوشش ۱۰۰٪ کودکان لازم التعلیم است و نماد این تلاش و کوشش فعالیتهای سازمان یونسکو است که سالها در این خصوص سرمایه گذاری کرده است.

در مطالعات جامعه شناسی روشن شده است که بین بی سوادی و کم سوادی و جرم و بزه کاری و اعتیاد و دیگر آسیب های اجتماعی رابطه وجود دارد لذا هر کودکی که از مدرسه رانده شود و به کوچه ها و خیابان ها سرازیر گردد با توجه به ممنوعیت قانونی کار کودکان، امکان آلودگی و گرایش به منابع آسیب زا زیاده تر می گردد.

به هر حال این از اصل های پذیرفته شده در جهان است و مساله ای عمومی و انسانی می باشد. لذا می بایستی تلاش و همت آموزش و پرورش در جهت تحقق عام این اصل همگانی باشد و هیچ کودک و نوجوانی به هر دلیلی از این حق محروم نشود و تمامی موانع آن برداشته شود یکی از دلالت های این اصل آن است که نظام های آموزش و پرورش سعی کنند زمینه ی مناسب برای جذب و نگهداری و رشد کودکان در مدارس را فراهم آورند و اجازه ندهند کودکان از نظام آموزش و پرورش عمومی غربال شوند یعنی عناصر و عوامل گریزانک موجود در نظام آموزشی را حذف و از بین ببریم.

این در حالی است که قوانین و مقرراتی که در ایران در کنار قوانین فوق وضع کرده ایم نه تنها موجب تحقق آموزش همگانی نشده بلکه موجب می شوند که گروهی از کودکان بنا بر دلایل مختلف بر اساس قوانین خصوصاً قوانین مربوط به ارتقاء تحصیلی، از نظام آموزش و پرورش رانده شوند پس در واقع مانعی برای تحقق آن اصل فراهم کرده ایم و مقررات خود را دچار ناسازواری و تناقض با قوانین کرده ایم. به قول ویلیام گلاس،



نظام تحصیلي ما براي شکست طراحی شده است و آنها که موفق می شوند، معمولاً کسانی هستند که می توانند مطابق روشهای از پیش تعیین شده ی معلمان عمل کنند. آنها که شکست می خورند معمولاً از تحصیل بی زار گردیده و یا با خود انگاره self Image ضعیف ادامه تحصیل داده و اغلب اوقات به صورت مشکلات حادی برای مدرسه و جامعه در می آیند. " (ویلیام گلاس، ۱۳۸۰)

یکی از این موارد، شروط متعدد برای قبولی و مردودی است. تکرار پایه یکی از موانعی است که گروهی از اقبشار جامعه را که عمدتاً هم از طبقات ضعیف و محروم هستند از ادامه تحصیل محروم می نماید. مطالعات نشان داده است که بین تکرار پایه (Reputation) و ترک تحصیلي (Dropout) رابطه وجود دارد. (حداد و همکاران، ۱۹۹۰، به نقل از ایژمن ۷۸) یعنی کسانی که تکرار پایه می کنند احتمال ترک تحصیلشان زیاد است. ۴۰٪ از دانش آموزانی که مردود شده اند ترک تحصیل کرده اند و اگر دفعات مردودی به دوبار برسد این رقم به ۹۰٪ می رسد. (حسن زاده، ۱۹۹۸) لذا تکرار پایه یک از منابع جدی کلیدی برای عدم دسترسی به آموزش و پرورش است. (حداد و همکاران، همان منبع) تحقیقی که در ایران صورت گرفته نشان داده است که تکرار پایه بر پیشرفت تحصیلي و روند آتی تحصیلي دانش آموزان بی تاثیر است یعنی اگر موجب ترک تحصیل نشود هیچ سودی به حال دانش آموزان نخواهد داشت (علیشاهی- ۱۳۷۹) به عبارت دیگر کودکانمان را مردود می کنیم تا امکان انصراف از تحصیل را در آنها زیادتز کنیم و حتی تاثیری در روند آتی تحصیلي آنان نگذاشته باشیم؟

۲، توجه به تمامی عوامل موثر در افت

پدیده مردودی و تکرار پایه در نظامهای آموزش و پرورش از یک منظر به معنی ندیدن و به حساب نیاوردن نقش عوامل قدرتمند دیگر در کاهش کارایی تحصیلي و یادگیری کودک است. و این یعنی که ما دانش آموز را می بینیم ولی نظام را نمی بینیم تحقیقات وسیع و گسترده در جهان نشان داده است که عوامل بسیاری در افت تحصیلي یک دانش آموز دخالت دارد که واقع بینانه آن است که به همه این عوامل نظری افکنده شود در ادامه به برخی از این عوامل که در بررسی ها بدست آمده است اشاره می شود.

پژوهشی که توسط (علی اکبر دزفولیان، ۱۳۷۱) انجام گرفته، نشان می دهد که افت تحصیلي با فقر اقتصادی خانواده، بی سوادی والدین و دو زبانه بودن دانش آموزان ارتباط دارد.

پژوهشی که در استان مرکزی صورت گرفته (نادری نیا، ۱۳۷۱) عوامل زیر را در افت دخیل دانسته است:

۱- بی سوادی والدین

۲- مشاجرات خانوادگی

۳- رونویسی زیاد

۴- تنبیه بدنی

۵- سنگینی محتوای دروس

۶- تراکم جمعیتی کلاس ها

در تحقیق دیگر در شیراز (خیر، ۱۳۶۴) عواملی چون: شغل والدین، سواد والدین، فوت والدین، وضعیت مسکن، تعداد اعضای خانواده، محل تولد و جو خانوادگی از عوامل موثر در افت تحصیل کودک معرفی شده است. در تحقیقی دیگر (باقری و ابراهیمی نسبت، ۱۳۷۱) که در تبریز انجام شده است؛ بین شرایط خانوادگی و عملکرد تحصیلي دانش آموزان رابطه مستقیم پیدا کرده اند.

در پژوهش دیگری در استان اصفهان (سازمان برنامه و بودجه اصفهان، ۱۳۶۶) عوامل زیر را در افت شناسایی کرده اند. درمقابل هر عامل میدان تغییرات در صد تاثیر آن در افت تحصیلي هم گزارش شده است.

۱- عوامل فردی (۲۵-۲ درصد)

۲- عوامل خانوادگی (۲۵-۲۰ درصد)

۳- عوامل آموزشی (۳۰-۱۵)

لذا به طور متوسط ۷۰٪ از عوامل موثر در افت در اختیار دانش آموز نیست.

در پژوهش دیگری (اسماعیل یحیوی، ۱۳۶۸) در استان آذربایجان شرقی نشان داده است که ویژگی های معلم و مربیان نظام آموزشی، عوامل خانوادگی، محیط آموزشی و عوامل اجتماعی و عوامل فردی در مردودی دانش آموزان دخالت دارند.

خیر در تحقیق دیگر که در اصفهان اجرا شده است (خیر، ۱۳۶۸) نشان می دهد که وضعیت خانوادگی، پایگاه اجتماعی خانواده با ۲۵/۴۵ درصد بالاترین نقش را در عملکرد تحصیلی بچه ها داشته است. در پژوهش دیگر که در سیستان و بلوچستان انجام شده است (اکبری، ۱۳۶۰) نتیجه گرفته شده است که سطح سواد و وضعیت فرهنگی والدین در مردودی و ترک تحصیل فرزندان نقش بسزایی دارد.

در پژوهش دیگر (رضا ساکی، ۱۳۷۳) نشان داد که نگرش معلمان نسبت به خود در موفقیت و عدم موفقیت تحصیلی دانش آموزان تاثیر دارد. همچنین در پژوهش دیگر (خیر ۱۳۶۷) نگرش معلم نسبت به دانش آموز در موفقیت و عدم موفقیت او موثر دانسته شده است. و این نتیجه را با نتایج تحقیقات در دیگر کشورها سازگار یافته اند. (CarlBarun, 1979)

بلوم در کتاب معروف خود یعنی "ویژگی های آدمی و یادگیری آموزشگاهی" علت عمده وجود اختلافات زیاد در یادگیری در میان دانش آموزان را به آموزش گروهی متداول در مدارس که او آن را "مرکزیت در امر آموزش" می نامد، نسبت می دهد. (بلوم، ۱۳۶۳).

محقق دیگری (کرساس، ۱۹۷۸) نشان داده است که هنگامی که عامل هوش ثابت نگه داشته شود بین گروه های مختلف اجتماعی- فرهنگی از نظر پیشرفت تحصیلی اختلاف معناداری وجود دارد یعنی عامل هوش آنچنان تعیین کننده نیست (پرکی، ویلیام واتسون، ۱۹۸۶).

گروهی از جامعه شناسان در توجیه و تحلیل شکست تحصیلی نظریه محرومیت فرهنگی را ارائه داده اند (منادی، ۱۳۷۲) به نظر آنها شکست تحصیلی یا افت يك "مشکل اجتماعی" است، یعنی بایستی آن را به عنوان معلول عوامل اجتماعی مختلف در نظر گرفت و راه های مناسب برای رفع آن طرح کرد.

این گروه از جامعه شناسان معتقدند که هوش عامل افت تحصیلی نیست یعنی که هوش نمی تواند توجیه کننده شکست ها باشد دلایل زیادی در اختیار پژوهشگران است که نشان می دهد عوامل متعدد دیگری غیر از هوش در این امر دخالت دارد. در مطالعه ای که توسط الن و همکاران در سال ۱۹۶۴ در امریکا انجام گرفت نشان داده شد که بین عملکرد دانش آموز و وضعیت اقتصادی- اجتماعی او همبستگی وجود دارد (خیر، ۱۳۶۵) نظام های آموزش و پرورش يك نظام غربالی است که به زعم خود آهسته آهسته دانش آموزان ضعیف را غربال کرده و نخه ها و برجسته ها را به سوی بالا ارتقاء می دهد این ویژگی جزء ماهیت نظام های امروزی است که احتمالاً از نظام غربالی پیشنهادی افلاطون برگرفته شده است (افلاطون، ۱۳۳۳).

اما نکته مهم آن است که طبق شواهد موجود بر خلاف دیدگاه افلاطون این غربال نه براساس هوش و استعداد بلکه بر اساس ویژگی های ناخواسته اقتصادی و اجتماعی افراد است به عبارت دیگر بر اساس دیدگاه برخی جامعه شناسان نظام آموزش و پرورش موجود خصلت طبقاتی داشته و از طبقه خاصی حمایت می کنند.

به طور کلی گرچه نظام صعودی برنامه درسی و حرکت از سوی ساده به پیچیده امری پذیرفته شده است و بنابر اصل تفاوت فردی در روانشناسی، توانایی یادگیری افراد در سطوح مختلف قرارداد و خواهی نخواهی بر این اساس نظام های آموزشی مشکل غربالی به خود می گیرند اما آنچه مورد شك و تردید است این دو نکته مهم است:

برای دریافت اینجا کلیک کنید

#### مقالات مرتبط

- [دانلود مقاله لتوناردو داوینچی](#)
- [دانلود مقاله کوسسم](#)
- [دانلود مقاله کلاس های مجازی](#)

از این سایت ها نیز دیدن نمایید

- [ترنس لاین ، مرجع مقالات تخصصی فارسی ، ایران](#)
- [گت بیبر ، منبع مقالات انگلیسی و فارسی](#)
- [دانش رسان ، بیش از 1.5 میلیون مقاله فارسی](#)